

عاقبت به خیری در آموزه‌های اسلام

محمد علی‌بنی *

مقدمه

قرآن کریم و معصومین علیهم‌السلام همواره به پیروان خود درباره سرانجام کار توصیه فراوان کرده‌اند. این تذکر و توصیه درباره سرانجام نیک و عاقبت خوب در تمامی امور به‌ویژه در پایان عمر زندگی، بسیار مهم و ضروری است. از آنجا که یکی از ضروری‌ترین نیاز انسان برای حضور در آخرت، عاقبت به خیری و سرانجام نیک است؛ لازم است تا با علل و عوامل عاقبت به خیری در کلام خدا و روایات معصومین علیهم‌السلام آشنا شویم. بر این اساس، عوامل اساسی و مهمی که در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود، عبارتند از: ایمان و عمل صالح، تقوا، دوست و همشین شایسته، احسان و نیکی به مردم و نیز نیکی به پدر و مادر. اندیشه، تفکر، تعقل، تدبیر و دوراندیشی در زندگی انسان‌ها و در همه احوال، از جمله عوامل عاقبت به خیری است که توجه به آن، مهم و اساسی است.

اهمیت عاقبت به خیری

جنین در شکم مادر برای زندگی دنیا ساخته می‌شود. کمال وی در این است که تمام اعضا و جوارحش به طور کامل شکل بگیرد. این سلامتی تا زمانی ادامه می‌یابد که متولد شود. انسان‌ها نیز در شکم مادر روزگار برای زندگی در آخرت ساخته می‌شوند. سعادت آدمی این است که تمام ابعاد وجودی‌اش در دنیا به سلامت و شایستگی ساخته شود و این سالم بودن تا لحظه مرگ و انتقال به عالم قیامت، دارای دوام باشد. بر این اساس به جهت گذر از دنیای فانی به دنیای باقی، عاقبت به خیری بسیار ضروری و مهم است.

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری دین‌پژوهی.

عوامل عاقبت به‌خیری

عوامل متعددی در عاقبت به‌خیری آدمی نقش دارند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. ایمان و عمل صالح

قرآن کریم، مردم را به ایمان دعوت می‌کند و ایمان، یک مقوله قلبی و غیر از تسلیم صرف است. قرآن ایمان را به لحاظ رتبی، بالاتر از اسلام می‌داند: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا».^۱ بنا بر این آیه شریفه، خداوند از جامعه ایمانی می‌خواهد که همگان به درجه‌ای از ایمان نایل شوند. مؤمنان کسانی هستند که ضمن اقرار به وحدانیت و رسالت پیامبر ﷺ، دارای تصدیق قلبی هستند.

عمل، جزء ایمان است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرموده است: «الْإِيمَانُ هُوَ الْإِقْرَارُ بِاللِّسَانِ، وَ عَقْدٌ فِي الْقَلْبِ، وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ»^۲ ایمان عبارت است از اقرار به زبان و اعتقاد در قلب و عمل به ارکان». بنا بر روایات، ایمان مانند خون است که از قلب سرچشمه می‌گیرد و در تمام عروق بدن جریان می‌یابد. ایمان، حیات معنوی انسان است و هر گاه حیات در قلب داخل شود، به همه اعضای بدن جریان می‌یابد.^۳ ایمان، آثار نیک فراوانی نیز دارد؛ همچون تولید بهجت و انبساط، نیکو ساختن روابط اجتماعی و کاهش و رفع ناراحتی‌های ضروری که لازمه ساختمان این جهان است.^۴

عمل صالح، از برجسته‌ترین نمودهای رفتاری ایمان به خدا و مکمل ایمان معرفی شده است.^۵ برخی گفته‌اند: «صالحات یا عمل صالح، تبلور ایمان است در اعمال و رفتار خارجی ما و از این رو عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» بیش از هر عبارت دیگر مکرر در قرآن به کار رفته است. آنان که ایمان آورده‌اند، مؤمن به شمار نمی‌آیند؛ مگر آنکه ایمان درونی آنان در اعمالی که اطلاق عمل صالح بر آنها شایسته باشد، متجلی گردد».^۶

قرآن، عمل صالح را راهی برای بالا رفتن کلمه طیبه و علم می‌داند: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ

۱. حجرات: ۱۴.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ اصول کافی؛ ج ۲، ص ۲۳.

۳. ابوطالب تجلیل؛ ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در قرآن؛ ص ۱۰.

۴. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲، ص ۴۳.

۵. سید حسین شرف‌الدین؛ ارزش‌های اجتماعی از منظر قرآن کریم؛ ص ۱۴۲.

۶. توشیهیکو ایزوتسو؛ مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن؛ ترجمه فریدون بدره‌ای؛ ص ۲۵۶.

الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ؛^۱ سخنان پاکیزه به سوی او بالا می‌رود و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد» و مؤمنان دارای عمل صالح را به عنوان برترین موجودات هستی معرفی می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ؛^۲ آنان که ایمان آوردند و نیکوکار شدند، آنها به حقیقت بهترین اهل عالمند». از نظر برخی مفسران، عمل صالح کاری است که فطرت بشر به آن رغبت دارد و سزاوار می‌داند که از آدمی سرزند.^۳

تاریخ گویای آن است که مؤمنانی که عمل شایسته انجام دادند و بر ایمان و عمل صالح خود تا پایان عمر پایدار ماندند، با سرانجام نیک و عاقبت به خیری به دیدار پروردگار خود شتافتند.

۲. تقوا

یکی از راه‌های رسیدن به حسن عاقبت، تقوا و پرهیزکاری است. قرآن در آیاتی به این مطلب اشاره کرده است.^۴ قرآن، به انسان بیداری می‌دهد تا حضور خداوند را احساس کند و او را به تقوا دعوت می‌کند تا واجبات را انجام دهد و محرمات را ترک کند.^۵

تقوا از ماده «وقایه» به معنای نگهداری یا خویشتنداری است؛ یعنی انسان با تقوا کسی است که کنترل و ترمز دارد. خودش را در برابر گناه کنترل می‌کند؛ مانند ماشینی که در جاده پر پیچ و خم بدون ترمز با خطرات سهمگینی مواجه است و چه بسا به دره سقوط کند، اما ماشینی که ترمز دارد و راننده به موقع ترمز می‌کند، می‌تواند ماشین را به راحتی در تمامی پیچ و خم‌ها کنترل کند و سالم به مقصد برساند. تقوا، داشتن قدرت کنترل و پرهیز از خطا در موقعیت‌های گوناگون است.

تقوا، مانند لباس است که آدم را از گرما و سرما حفظ می‌کند: «وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ؛^۶ جامه پرهیزگاری از هر جامه‌ای بهتر است». امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرموده است: «لباس، همان لباسی است که شما می‌پوشید و لباس تقوا، عفاف است».^۷ تشبیه تقوا به لباس، بسیار

۱. فاطر: ۱۰.

۲. بینه: ۷.

۳. سید محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۶، ص ۳۷۵.

۴. قصص: ۸۳؛ اعراف: ۱۲۸؛ هود: ۴۹.

۵. محمد مهدی آصفی؛ اخلاق از دیدگاه قرآن؛ ص ۳۱.

۶. اعراف: ۲۶.

۷. علی بن ابراهیم قمی؛ تفسیر القمی؛ ج ۱، ص ۲۲۵؛ محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۶۸، ص ۲۷۱.

ظریف و زیباست؛ زیرا همان‌گونه که لباس زشتی‌های بدن را می‌پوشاند، تقوا نیز زشتی‌های روح را می‌پوشاند. لباس، انسان را در برابر گرما، سرما و دیگر گزنده‌ها ایمن می‌کند؛ تقوا نیز از روح، نفس و عقل انسان، در برابر وسوسه‌ها و دسیسه‌های شیطان محافظت می‌کند. تقوا را می‌توان قطب‌نمای انسان دانست. همان‌طور که کشتی با قطب‌نما راه خود را به درستی پیدا می‌کند، انسان نیز با تقوا که حکم قطب‌نما را دارد، راه صحیح و درست را برای هدایت پیدا خواهد کرد.^۱ انسان متقی که با پرهیزکاری راه درست را در دنیا پیدا کرده و تا پایان عمرش بر تقوا بوده است، با عاقبت به‌خیری و سرانجام شایسته از دنیای فانی به آخرت ماندگار هجرت خواهد کرد.

۳. احسان و نیکی به مردم

حُسن در مورد هر آنچه که احساس خوشی، رضایت، تحسین و زیبایی خواهی انسان را برانگیزاند، به کار برده می‌شود. در برخی موارد، مترادف کامل واژه «خیر» در هر دو زمینه دینی و دنیایی است.^۲ احسان عموماً به معنای نیکی در مقابل بدی به کار می‌رود. حسنات نیز به اموری گفته می‌شود که انسان به حسب طبع خود، آنها را حُسن و محبوب می‌داند؛ مانند عافیت، نعمت، امنیت و آسایش که همه از ناحیه خدای سبحان است.^۳ احسان نیز گاه به معنای بخشش به دیگران و گاه در یک معنای عام، هر کاری نیک و پسندیده‌ای را شامل می‌شود. از این رو همه اعمال و کارهای مثبت و مفید و دارای ارزش اخلاقی، از مصداق‌های این واژه در کاربرد دوم آن شمرده می‌شود.^۴

خداوند به نیکی امر می‌کند: «أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ؛^۵ همچنان‌که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن» و به دادگری و نیکوکاری و انفاق بر خویشان فرمان می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى».^۶ پروردگار با صراحت تأکید می‌کند که نیکوکاران را دوست دارد: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». رسول خدا ﷺ نیز درباره نیکی به دیگران می‌فرماید: «عَلَيْكَ بِصَنَائِعِ

۱. محی‌الدین حائری شیرازی؛ تمثیلات؛ ص ۴۱.

۲. توشیهیکو ایزوتسو؛ مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن؛ ترجمه فریدون بدره‌ای؛ ص ۲۷۸ و ۲۷۹.

۳. سید محمدحسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۵، ص ۹.

۴. سید حسین شرف‌الدین؛ ارزش‌های اجتماعی از منظر قرآن کریم؛ ص ۱۴۱.

۵. قصص: ۷۷.

۶. نحل: ۹۰.

۷. آل‌عمران: ۱۳۴.

الْخَيْرِ فَإِنَّهَا تَدْفَعُ مَضَارِعَ الشُّوْءِ؛^۱ کارهای نیک را انجام ده که آنها جلوی مرگ‌های بد را می‌گیرند». آن حضرت با تشویق مردم به احسان می‌خواهد افراد جامعه از زندگی خوش و باصفا برخوردار شوند.

در فرهنگ اسلامی احسان مانند بسیاری از مسائل اجتماعی دیگر جنبه بده بستانی دارد. کسی که به مردم احسان و نیکویی می‌کند؛ به طور متقابل از آنان احسان و خوبی می‌بیند. با رعایت اصل احسان و خوبی متقابل، زندگی اجتماعی انسان‌ها وضعیت ایده‌آل پیدا می‌کند و اشخاص به سوی کمال مطلوب حرکت می‌کنند و این، همان سرمایه اجتماعی است. قرآن این حقیقت اجتماعی را با بیان شیوا چنین بیان داشته است: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ؛^۲ اگر نیکویی کنید، به خودتان نیکویی کرده‌اید».

تو نیکویی می‌کنی و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز^۳

یکی از مصادیق مهم نیکویی و احسان، ادخال سرور و شادی است که در فرهنگ اسلامی نیز مورد توجه ویژه قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «مِنْ أَحَبِّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِدْخَالُ السُّرُورِ عَلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ مِنْ إِشْبَاعِ جَوْعَتِهِ أَوْ تَنْفِيسِ كَرْبَتِهِ أَوْ قَضَاءِ دَيْنِهِ»^۴ از محبوب‌ترین کارها نزد خدای عزوجل، شاد کردن برادر مؤمن است؛ به وسیله سیر کردن او از گرسنگی، گشودن گره گرفتاری او یا پرداخت بدهکاری اش». نکته ظریف این روایت، توجه به نیازهای معیشتی و رفع گرفتاری برادران ایمانی است که به شادی آنان منجر می‌شود. شادی و سرور افراد یک جامعه، چهره زندگی اجتماعی را نیز شاد و زندگانی را برای همه افراد مطلوب‌تر می‌کند.

در جامعه کنونی و به‌ویژه پس از پدیده ویروس کرونا و گرفتاری‌های گوناگون اقشار مختلف، احسان و نیکوکاری نمود ویژه‌ای پیدا کرده است. حرکت‌های خودجوش در کمک به مردم و کارهای فرهنگی مانند ایجاد صندوق‌های قرض الحسنه در جمع فامیل و یا شناسایی فقرا و به‌ویژه خانواده‌های آبرومند و نیازمند و کمک مخفیانه به آنان برای حفظ کرامت و عزت انسانی‌شان در شرایط اقتصادی نامناسب کنونی موجب عاقبت به خیری خواهد شد.

۱. حسین بن محمدتقی نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۲، ص ۳۹۴.

۲. اسراء: ۷.

۳. مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله سعدی؛ کلیات سعدی؛ مواعظ، مثنویات، شماره ۴۱.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ اصول کافی؛ ج ۲، ص ۱۹۲.

۴. نیکی به مادر و پدر

اهمیت و ارزش نیکی به پدر و مادر تا آنجاست که می‌توان آن را شاه‌کلید عاقبت به‌خیری دانست. خداوند متعال می‌فرماید: «أَلَّا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۱ و آن اینکه به هیچ وجه شرک به خدا نیاورید، و به پدر و مادر احسان کنید».

فرزند نیکوکاری را که به پدر و مادرش احترام می‌کند و همواره به آنان خدمت می‌کند، باید احترام کرد. رسول‌خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یک خواهر و برادر رضاعی داشت. روزی خواهر رضاعی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نزد آن حضرت آمد. وقتی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نگاهش به او افتاد، با شادمانی از جا بلند شد و زیراندازش را برای او گسترده و او را بر روی آن نشانده و با خوشحالی با وی سرگرم گفتگو شد. پس از مدتی او رفت و برادر رضاعی آن حضرت به نزدش آمد؛ اما پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن احترام و پذیرایی را که از خواهرش کرده بود، از برادرش نکرد. وقتی علت رفتار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را پرسیدند، حضرت فرمود: «خواهرم بیشتر از برادرم در خدمت به پدر و مادر کوشا بود»^۲.

حق مادر نسبت به پدر، بیشتر و سنگین‌تر است؛ زیرا مادر فرزند را ماه‌ها در شکم خویش نگاه می‌دارد و با تمام سختی‌ها وی را حمل می‌کند. بعد از وضع حمل نیز شیردهی و مواظبت و مراقبت، وظیفه سنگینی است که مادر به عهده می‌گیرد. شخصی نزد پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و درباره احسان و نیکویی به والدین سؤال کرد. رسول‌خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سه نوبت فرمود: «برو به مادرت خدمت و نیکویی کن» (بار چهارم پدر را یادآور شد)^۳.

تورقی در زندگی انسان‌های شایسته و موفق در طول تاریخ، گویای آن است که خدمت به مادر و پدر، موجب عزت دنیایی و سربلندی آنان در دنیا و عاقبت به‌خیری و سرانجام نیک در آخرت شده است؛ مانند شیخ مرتضی انصاری به جهت احترام و نیکی به مادرش و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی به خاطر نیکی و احسان به پدرش. حتی افرادی همچون ادیسون و لویی پاستور نیز به جهت احسان و احترامی که در باره مادر و پدرشان انجام دادند، به شهرت و محبوبیت در دنیا رسیدند.

۵. دوست و همنشین صالح

یکی از مهم‌ترین عوامل برای عاقبت به‌خیری و یا عاقبت به‌شری، دوستان و همنشینان یک فرد

۱. انعام: ۱۵۱.

۲. سید ابراهیم سید علوی؛ اینگونه معاشرت کنیم؛ ص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۳. همان، ص ۱۵۹.

هستند. انسان با انتخاب درست و آگاهانه دوست و همنشین، می‌تواند آدمی را به بالاترین درجات برساند و اشتباه و غفلت در گزینش دوست و همنشین، می‌تواند او را به پایین‌ترین و پست‌ترین درکات برساند و در تمامی زمینه‌ها به سقوط و نابودی بکشاند. قرآن در سوره مدثر، یکی از عوامل حسن عاقبت و یا سوء عاقبت را دوست و همنشین افراد معرفی کرده است. روز قیامت بهشتیان از کسانی که به جهنم می‌روند، سؤال می‌کنند: «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؟^۱ چه چیزی شما را به دوزخ انداخت؟». دوزخیان دلایل متعددی را برای این سرانجام خود بیان می‌کنند که یکی از آنها، چنین است: «كُنَّا نَحْوُضُ مَعَ الْخَائِضِينَ»^۲ ما پیوسته با اهل باطل همنشین و هم‌صدا بودیم».

دوست و رفیق می‌تواند نقشی سرنوشت‌ساز در زندگی هر فرد ایفا کند. چه بسیار دوستان خوبی که سبب دوری از گناه و عاقبت به خیری انسان می‌شوند. آیات و روایات، نقش بسزایی در جهت دادن به دوستی‌ها و پرهیز از عواقب ناگوار دنیوی و اخروی آنها بر عهده دارند؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصُّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»^۳ و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، در روز رستاخیز همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان؛ و آنها رفیق‌های خوبی هستند».

بنا بر عقل سلیم، دوستی با نیکان و افرادی که دارای صفات حمیده هستند، خوب و پسندیده است. دوست خوب و همنشین صالح، می‌تواند سبب رشد و تعالی انسان و در نتیجه عاقبت به خیری او شود؛ مانند دوستی حبیب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه.
همنشین تو از تو به باید تا تو را عقل و دین بیفزاید^۴

این در حالی است که دوستی با افراد دارای رذایل و انحرافات اخلاقی، ناپسند و مایه سرزنش آدمی است. اخلاق بد مانند میکروب‌های آبله مسری است؛ برای مثال تکبر، بیماری مسری است. اگر انسان با فرد متکبر معاشرت کند، متکبر می‌شود؛ همان‌گونه که هم‌غذا شدن با فرد مبتلا به آبله، موجب گرفتار شدن آدمی می‌شود. انسان با فرد غافل هم که می‌نشیند، غافل

۱. مدثر: ۴۲.

۲. مدثر: ۴۵.

۳. نساء: ۶۹.

۴. علی اکبر دهخدا؛ امثال و حکم؛ ج ۱، ص ۴۱.

می‌شود. با اهل دنیا هم که بنشیند، اهل دنیا می‌شود.^۱
کند با جنس خود هر جنس پرواز
کبوتر با کبوتر باز با باز^۲
خوش اخلاقی و خوشرویی، از رموز دوست‌یابی است؛ چنان‌که امام علی علیه السلام فرموده است:
«الْبَشَاشَةُ جِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ»^۳ خوشرویی کمند دوست‌یابی است». افرادی که چهره‌ای گشاده دارند،
دوستان بیشتری جذب می‌کنند.

نقل است دو دوست در بیابان همسفر بودند. در طول راه با هم دعوا کردند. یکی به دیگری سیلی زد. دوستی که سیلی خورده و صورتش به شدت درد گرفته بود، بدون هیچ حرفی روی شن نوشت: «امروز بهترین دوستم مرا سیلی زد». آنها به راهشان ادامه دادند تا به چشمه‌ای رسیدند و تصمیم گرفتند حمام کنند. ناگهان دوست سیلی خورده به حال غرق شدن افتاد، اما دوستش او را نجات داد. او بر روی سنگ نوشت: «امروز بهترین دوستم، زندگی‌ام را نجات داد». دوستی که او را سیلی زده و نجات داده بود، پرسید: «چرا وقتی سیلی‌ات زدم، بر روی شن و وقتی تو را نجات دادم، بر روی سنگ نوشتی؟». آن مرد گفت: «وقتی دوستی تو را ناراحت می‌کند، باید آن را بر روی شن بنویسی تا بادهای بخشش آن را پاک کند؛ ولی وقتی به تو خوبی می‌کند، باید آن را روی سنگ حک کنی تا هیچ بادی آن را پاک نکند».^۴

فهرست منابع

کتاب

۱. آصفی، محمد مهدی؛ اخلاق از دیدگاه قرآن؛ قم: بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۵ ش.
۲. ایزوتسو، توشیهیکو؛ مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن؛ ترجمه فریدون بدره‌ای؛ تهران: قلم، ۱۳۶۰ ش.
۳. دهخدا، علی‌اکبر؛ امثال و حکم؛ ج ۱، چاپ بیست و یکم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۹۱ ش.
۴. تجلیل، ابوظالب؛ ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در قرآن؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
۵. حائری شیرازی، محی‌الدین؛ تمثیلات؛ قم: شفق، ۱۳۷۲ ش.
۶. سعدی، مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله؛ کلیات؛ تهران: نیک فرجام، ۱۳۶۲ ش.

۱. محی‌الدین حائری شیرازی؛ تمثیلات؛ ص ۲۷.

۲. البیاس بن یوسف نظامی گنجوی؛ خسرو و شیرین؛ بخش ۵۲.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ حکمت ۶.

۴. پورتال بیتوته؛ «داستان کوتاه دوست خوب».

۷. سید علوی، سیدابراهیم؛ اینگونه معاشرت کنیم؛ تهران: رسالت قلم، ۱۳۶۶ش.
۸. شرف‌الدین، سیدحسین، ارزش‌های اجتماعی از منظر قرآن کریم؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵ش.
۹. شریف‌الرضی، محمد بن حسین؛ نهج‌البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ش.
۱۱. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۳۱۳ق.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی؛ تهران: دارالثقلین، ۱۳۹۲ش.
۱۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۴. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۹ش.
۱۵. نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف؛ خسرو و شیرین؛ تهران: آتیس، ۱۳۹۶ش.
۱۶. نوری، حسین بن محمدتقی؛ مستدرک الوسائل؛ قم: مؤسسه آل‌البتیة، ۱۳۶۰ش.

سایت‌ها

پورتال بیتوته؛ (داستان کوتاه دوست خوب).